

تحلیل حوزه‌ی عمومی پست مدرن با کاربرد روش واژگونی فوکو در مطالعه‌ی رسانه‌های نوین

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۰، شماره دو: ۱۱۰-۸۳

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

حمید عبداللهیان^۱

دانشیار گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

محمدرضا وکیلی قاضی جهانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مجموعه‌ی علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

پدیرش ۹۱/۷/۱۲

دریافت ۹۰/۵/۲۱

چکیده:

این مقاله سعی بر این دارد تا به مطالعه‌ی نقش قدرت و عوامل شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی در عصر پست‌مدرن بپردازد. بر این اساس از روش واژگونی فوکو استفاده می‌کنیم تا منابع تولیدی قدرت و اعمال آن در جهان پست‌مدرن را تحلیل کرده و در این حوزه به تولید شناخت بپردازیم. برای این امر، رویکرد تحلیلی فوکو از قدرت زیستی را مورد استفاده قرار می‌دهیم تا به نحوه‌ی تولید و اعمال قدرت در عصر پست‌مدرن و تأثیر آن بر شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی بپردازیم. در این مقاله با استفاده از روش واژگونی فوکو به دنبال طرح گسست‌هایی هستیم که ممکن است در جهان پست‌مدرن رخ داده باشد.

گسست تاریخی فوکویی ما را به دو یافته‌ی نظری و تجربی می‌رساند. گسست اول که در یک تحلیل نظری مبتنی بر جامعه‌ی کنترلی پست‌مدرن با مدل هارت و نگری ارائه می‌شود نشان می‌دهد قدرت پست‌مدرن با «ارتباطاتی کردن» کنترل و مراقبت افراد، از رسانه‌های نوین به‌عنوان فناوری‌های کنترلی استفاده می‌کند. علی‌رغم این‌که مطالعات زیادی بر اساس رویکرد هابرماسی نشان داده که اینترنت منجر به شکل‌گیری و تقویت حوزه‌ی عمومی می‌شود اما در این‌جا این تکنولوژی ارتباطی به‌عنوان «پان‌اپتیکن پست‌مدرن» و «کارخانه‌ی مجازی»، و «کاربران» آن به‌مثابه «کارگران پست‌مدرن» معرفی می‌شوند که با «کار عاطفی»، طبق مدل هارت و نگری و ژیک، قدرت زیستی سرمایه‌داری را تشدید می‌کنند. در نتیجه امروزه «حبس، کنترل و بهره‌وری» سوژه‌ها در اینترنت، شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی را در آن دشوار می‌کند. گسست دوم نشان می‌دهد (یافته‌ی تجربی ما) که در این عصر، اهمیت‌یافتگی فرهنگ و تاریخ و محوریت آن‌ها است که حوزه‌ی عمومی به‌عنوان ماحصل آن‌ها و عرصه‌ای برای تولید قدرت مردمی شکل می‌گیرد. نتیجه‌ی مطالعه‌ی میدانی موردی و اتنوگرافیک ایران که در سال‌های اخیر انجام شد نشان می‌دهد «قدرت مردمی» که متأثر از عوامل تاریخی ایرانی و اسلامی است، منجر به شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی خودجوش در تصمیم‌گیری‌های مردمی این فصل از تاریخ معاصر شده است.

در مقام نتیجه‌گیری از یافته‌ها، این مقاله بیان می‌کند با توجه به تاریخی بودن فرهنگ ایرانی، کنش‌گران فعال این فرهنگ می‌توانند با استفاده از عناصر فرهنگی تاریخی‌شان، از تکنولوژی‌های ارتباطی پست‌مدرن قدرت‌زدایی کنند تا آن‌ها را برای تقویت قدرت مردمی خود برای شکل دادن به حوزه‌ی عمومی گسترده‌تر و جهانی‌تر به خدمت گیرند. چرا که حوزه‌ی عمومی شکل‌گرفته در سال‌های اخیر در ایران توسط مردم فقط می‌تواند نشان‌دهنده‌ی پتانسیل آن‌ها باشد که با استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی معاصر، آن را جهانی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: پان‌اپتیکن، قدرت مشرف بر حیات، پست‌مدرنیته، جامعه‌ی کنترلی، اینترنت، حوزه‌ی عمومی، تاریخ ایرانی-اسلامی

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: habdolah@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله:

معرفی اینترنت به‌عنوان تکنولوژی کنترل‌ی عصر پست‌مدرن و نیز کارخانه‌ی پسامدرن برای تولید غیرمادی نظام سرمایه‌داری، ادعایی است که در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از رویکردی که فوکو به قدرت دارد، برایش شواهد تجربی فراهم آید. بیان مسئله از این مفروضه آغاز می‌شود که کنترل افراد امری است که برای نهاد قدرت در هر زمان و مکان اهمیت کلیدی داشته است و در گذشته نیز همواره نهاد قدرت از تکنولوژی روز برای مراقبت افراد استفاده می‌کرده است. اما تکنولوژی‌های انضباطی در گذشته صورت وحشیانه‌تری داشته‌اند (گیدنز ۱۳۷۶). این درحالی است که به‌تدریج این تکنولوژی‌ها، در قالب‌های سیاسی و اقتصادی و زیستی، صورت انسانی‌تری پیدا کرده‌اند. بحث هابز از اعمال مستقیم زور در قرن ۱۸ به‌خاطر تکنولوژی‌های مراقبتی خاص آن عصر نشان می‌دهد که نهاد قدرت در آن زمان تاکتیک‌های بهتری به‌جز اعمال مستقیم زور برای مراقبت نداشت. اما در روندی تاریخی که با شکل‌گیری فناوری‌های نظارتی به‌ظاهر انسانی‌تر همراه بوده و فوکو به آن‌ها به‌عنوان شاخصه‌های دوره مدرنیته اشاره می‌کند، آزارهای شدید افراد جای خود را به روش‌های نرم‌تر داده است. درحقیقت نهادها و سازمان‌های مدرن دیگر نه‌تنها اعضای خویش را سرکوب نمی‌کردند بلکه از آن‌ها موجوداتی منضبط و مولد می‌ساختند (ضیمران ۱۳۷۸: ۱۵۶). با این حال آن‌چه که در عصر موسوم به پست‌مدرن می‌تواند جای پرسش و پژوهش باشد، این است که حضور و اعمال قدرت با استراتژی‌های گوناگون هنوز رخ می‌دهد. در همین رابطه باید به این امر اشاره داشت که با گسست‌های گوناگون «ظهور پست‌مدرنیسم به‌عنوان جنبش فرهنگی متفاوت، می‌تواند در مقیاس گسترده‌ای به مفهوم‌سازی دوباره بپردازد؛ به این معنی که به ما اجازه می‌دهد چگونگی دنیای اطرافمان را تجربه و تبیین کنیم» (روسائو ۱۳۸۰: ۲۱). از آن جمله می‌توان به تغییرات نوین توجه بیش‌تری داشت و به بازاندیشی در برخی مفاهیم پرداخت یعنی همان کاری که سعی می‌شود در این مقاله صورت پذیرد.

از این جهت به‌روشنی باید گفته شود که آن‌چه این مقاله با روش واژگونی فوکو سعی دارد به آن بپردازد عبارت از شناخت منابع تولیدی قدرت و اعمال آن در جهان پست‌مدرن است. برای پژوهش در این زمینه از اصل روش‌شناختی واژگونی فوکو استفاده شده است. به‌عبارت دیگر از یک سو در بخش اول و بعد از تشریح رویکرد فوکو به قدرت و نظام پان‌پتیکنی

مدرنیستی آن به این امر می‌پردازیم که در دوره‌ی پست‌مدرن، با ظهور و توسعه‌ی تکنولوژی‌های ارتباطی، کنترل افراد از طریق نهادهای مدرن هم‌چون خانواده و مدرسه به کنترل افراد از طریق «امور ارتباطاتی» انتقال یافته است و این را به‌عنوان گسست اول در تاریخ معاصر در نظر می‌گیریم و معتقدیم این اولین نطفه‌ی بازاندیشی در مفاهیم کهن علوم اجتماعی است. در همین خصوص به طرح مسئله‌ی عدم شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی گسترده از طریق اینترنت نیز به‌عنوان یکی دیگر از عناصر تحلیلی مقاله خواهیم پرداخت. برای تأیید این ادعا و این‌که حوزه عمومی گسترده می‌تواند از منابع ارتباطی دیگری از جمله حیات روزمره استفاده کند، به حوزه عمومی ایران در سال‌های بعد از ۱۳۸۵ به‌عنوان گسست دوم اشاره می‌کنیم. در این‌جا تاریخ و فرهنگ ایرانی و اسلامی نقش مهمی در پدیدآوری حوزه‌ی عمومی داشته است.

پرداختن به اینترنت با رویکرد غیرهابرماسی، نتایج متفاوتی نسبت به کارکرد این تکنولوژی به‌دست می‌دهد که در نظریه‌های مطرح علوم ارتباطات برای آن نقشی رهایی‌بخش در نظر گرفته شده است. با این‌حال براساس مدل تحلیل انتقادی فوکو رویکردهای نظری این‌چنینی در پشت ظاهر رهایی‌نمای خود خواست سلطه را پنهان نگاه می‌دارند (حقیقی ۱۳۸۳: ۱۹۷). این را هانا آرنت مشارکت سیاسی از طریق تکنولوژی‌های رسانه‌ای نوین و یک رسانه‌ی جایگزین برای مشارکت افراد می‌داند (ینسن و دانزیگر ۲۰۰۲: ۶). موری^۱ (نقل در کولسترا و باس، ۲۰۰۹) اینترنت را ابزاری می‌داند که به کاربر این اختیار را می‌دهد که برخلاف دوره‌ی رسانه‌های پخش وسیع، به‌طور شخصی بتواند بر فرآیند ارتباط کنترل داشته باشد (هم‌چنین بنگرید به کوران ۲۰۰۲). در این راستا ما بعد از معرفی رویکرد فوکو به قدرت، و استفاده از روش گسست، در بخش‌های بعدی مقاله نخست به موضوع نظام کنترلی در عصر پست‌مدرن به‌عنوان گسست اول از نظام انضباطی مدرن در نوع مراقبت افراد می‌پردازیم. مفهوم «کار غیر مادی»^۲ که هارت و نگری^۳ (۱۳۸۴) به‌کار می‌برند و آن را به عصر پست‌مدرن نسبت می‌دهند ما را به این نتیجه می‌رساند که کاربران در اینترنت به‌عنوان «کارخانه‌ی غیرمادی»^۴ به تولید غیرمادی برای نظام سرمایه‌داری می‌پردازند. از سویی دیگر در ادامه به این امر می‌پردازیم که مطالعه‌ی میدانی در مورد تحولات ایران معاصر موید آن است که در جهان پست‌مدرن، رسانه‌های نوین در مقام

^۱ Murray

^۲ immaterial labor

^۳ Hardt & Negri

^۴ immaterial factory

فناوری‌های نوین سوژه‌سازی عمل می‌کنند (گسست اول)، اما با این وجود، این تاریخ‌های سرکوب‌شده هستند که می‌توانند خود را معاصر کرده (گسست دوم) و به شکل‌گیری قدرت مردمی و نهایتاً شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی کمک کنند.

ملاحظات نظری درباره‌ی فوکو و نظام پاناپتیکنی مدرنیته

فوکو بر اساس پاناپتیکن^۱ جرمی بنتهام^۲ به سازوکارهای اعمال قدرت مدرن می‌پردازد. بنتهام معماری پاناپتیکن را رئوس برنامه‌های خود برای معماری نهادینه‌شده‌ی مهار افراد اعلام کرد. او معتقد است که سیستم پاناپتیکنی، یک نوآوری است که اعمال قدرت را هم موثر و هم آسان می‌کند؛ نظامی که تا آخر قرن ۱۸ میلادی مورد استفاده قرار می‌گرفت. آنچه بنتهام اعلام کرد و بعدها سازوکار کاربردی برای زندان‌ها، بیمارستان‌ها، مدرسه‌ها و کارخانه‌ها در تحلیل فوکو بود، دستگاهی است که توزیع قدرت را در اندازه‌های بی‌نهایت کوچک تضمین می‌کند. بنتهام پاناپتیکن را نوعی پارادایم معماری تلقی می‌کرد که توانایی تعمیم دارد. فوکو نیز این بیش را به کامل‌ترین وجه به‌مثابه ابزاری برای کندوکاو تاریخی و فلسفی‌اش درباره‌ی اشکال و روابط قدرت به‌کارگرفت. درعین‌حال کار بنتهام درواقع تلاشی وسیع‌تر برای توجیه آن نوع از مکانیسم‌های قدرت بود که زندگی روزمره افراد را شکل می‌دهند و این شامل سازگاری و پالایش تشکیلاتی می‌شود که مسئولیت رفتار، هویت، فعالیت‌ها و حرکات به‌ظاهر بی‌اهمیت روزمره‌ی این افراد را به‌عهده داشته و بر آن‌ها نظارت می‌کند. در نظام پاناپتیکنی، فرد دیده می‌شود اما نمی‌بیند؛ او موضوع اطلاعات است اما هرگز فاعل ارتباطات نیست. زندانی تابع وضعیتی آگاهانه و همیشه در نظر است که کارآمدی خودکار قدرت را تضمین می‌کند. او که در معرض دید قرار دارد و خود این را می‌داند، مسئولیت فشارهای قدرت را به‌عهده می‌گیرد (رابینز و وبستر، ۱۳۸۵: ۱۷۷ - ۱۷۴). بر این اساس، قدرت خارجی مرئی ممکن است اهمیت فیزیکی خود را از دست بدهد؛ چرا که به غیرجسمانی شدن گرایش می‌یابد و هر چه به این حد و حدود نزدیک‌تر می‌شود تأثیرش پایدارتر، ژرف‌تر و همیشگی‌تر می‌شود. این یک پیروزی جاودانه برای نظام کنترل پاناپتیکنی است چرا که درعین کنترل افراد از هرگونه برخورد فیزیکی اجتناب می‌ورزد. از این جهت، پاناپتیکن دستگاهی است که توزیع قدرت را در اندازه‌های

^۱ panopticon

^۲ Jeremy Bentham

بی‌نهایت کوچک تضمین می‌کند؛ همان قدرتی که شخص مورد مراقبت را تبدیل به هدفی آسیب‌پذیر می‌کند (همان).

در نظر فوکو، پان‌اپتیکن به‌منزله‌ی سازوکاری برای هدایت مسیر و جریان قدرت و نقطه‌ی عطفی مهم در تاریخ تفکر بشری است. این قدرت، برای او موی‌سانی حیات‌بخش است که در ریزترین جنبه‌های زندگی روزمره‌ی انسان مدرن رسوخ می‌کند. چنین قدرتی یک ذات تکامل‌نیافتنی و البته ازهم‌گسیخته و جداافتاده در تمام بخش‌های زندگی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها دارد (اسمیت ۲۰۰۱: ۱۲۶). به این دلیل که فوکو جنس قدرت پان‌اپتیکنی را نامریی اما موثرتر از قدرت مستقیم می‌داند، چنین ایده‌ای را که قدرت پدیده‌ای است عظیم و هولناک، و ساختاری است یک‌پارچه و در انحصار دولت یا حکومت، به سخره می‌گیرد (نوذری ۱۳۸۵: ۲۳۱). از سوی دیگر، فوکو به مناسباتی انسانی می‌اندیشد که از امور مدرن خانواده و جامعه‌ی مدنی و گستره‌ی همگانی برمی‌آید و سرانجام در مناسبات سیاسی شکل صریح و بی‌پرده می‌یابد (احمدی ۱۳۷۴: ۲۱۱). نکته‌ی مورد نظر او این است که قدرت صرفاً قبضه نمی‌شود بلکه اعمال می‌گردد. گرایش قدرت به غیرشخصی و پراکنده و بی‌نام‌ونشان شدن است و درعین حال اعمال سلطه بر ابعاد فزاینده‌ای از زندگی اجتماعی، از جمله در تکنولوژی سراسرپین متبلور می‌شود (همان). در این شکل از اداره‌ی امور، قدرت کلاً به کسی که آن را به‌شیوه‌ای مطلق و به‌تنهایی بر دیگران اعمال کند واگذار نمی‌شود بلکه این ماشینی است که در آن هر کسی گرفتار می‌شود؛ چه کسانی که این قدرت را اعمال می‌کنند و چه کسانی که در معرض آن هستند (دریفوس و رابینو ۱۳۸۷: ۳۲۱). فوکو معتقد است که نظام سیاسی به‌عنوان مشخصه‌ی عصر مدرنیته، حکم‌رانی افلاطونی بر زندگی را به‌طور مستقیم به‌کار نمی‌گیرد (دولان، ۲۰۰۵: ۳۷۳). **تاریخ، چرخش محتوایی از یک نظام سلطه‌ی توحش‌گرایی ابتدایی به نظامی انسانی‌تر و آرام‌تر و البته آسیب‌رسان‌تر تغییر جهت داده است.** از این جهت، فوکو با روش واژگونی‌اش می‌خواهد وقایع مهم را برملا کرده و پرده از فریب‌کاری‌های تاریخی بردارد و دودمان پدیدارهایی که به‌عنوان حقیقت در جامعه جالافتاده‌اند را پی‌جویی کند و نقش و اراده‌ی قدرت را در متن آن‌ها معلوم کرده و استراتژی‌های سلطه را کالبدشکافی کند (ریتزر ۱۳۸۹: ۵۵۶). برای فوکو نظام قدرت در جامعه‌ی زندان‌گونه‌ی مدرن بس ریشه‌دارتر و نامریی‌تر و اغواکننده‌تر از قدرت در نظام‌های سنتی است. به‌باور فوکو جامعه‌ی زندان‌گونه‌ی انضباطی عبارت از جامعه‌ای است که

در آن اعضا دائماً در معرض مراقبت، نظارت و تربیت هستند و در تحلیل نهایی در گستره‌ی قدرت اسیر می‌شوند (ضیمران ۱۳۸۹: ۱۵۶). چیزی که مورد نظر فوکو بوده و تفسیرها پشت سر هم آن را آشکار می‌کنند این است که ما نمی‌توانیم خودمان را از اعمال و اجرای انضباط مدرن آزاد کنیم. برای نمونه پاناپتیکن که زمانی تنها یک اندیشه و یک نوآوری معمارانه محسوب می‌شده، امروزه به یک دیاگرامی تغییر ماهیت داده است که کل جامعه‌ی مدرن را دربرمی‌گیرد. انسان‌ها به‌طور کامل نظام‌های پاناپتیکنی را درونی می‌کنند و در آن‌ها مسکن می‌گزینند. از آن جمله ما نیز انضباط و نظارت در مدارس، کارخانه‌ها، محل کار، مدارس و بیمارستان‌ها و زندان‌ها را می‌پذیریم و به آغوش می‌کشیم (کاپمن ۲۰۱۰: ۵۴۹).

با این حال فوکو در دو دسته از آثار خود اشاره می‌کند که در جامعه‌ی انضباطی، سیاست انضباطی نتوانسته به نقطه‌ای برسد که کاملاً به آگاهی‌ها و بدن‌های افراد نفوذ کند. به عبارت دیگر نتوانسته به نقطه‌ای برسد که کلیه‌ی کردارهای افراد را تحت اداره درآورده و سازمان بدهد. بنابراین در جامعه‌ی انضباطی، ارتباط بین قدرت و افراد به‌صورت رابطه‌ای ایستا باقی مانده و استیلای انضباطی قدرت، با مقاومت افراد هم‌خوانی و برابری دارد (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۴۹). در این جا می‌خواهیم این ادعای خود را دنبال کنیم که آیا اینترنت هم به شکلی از نظام پاناپتیکن تبدیل شده و یا همان‌طور که فوکو می‌گوید بخش‌هایی هم هستند که مقاومت می‌کنند. آیا اینترنت مقاومت می‌کند یا با قدرت پاناپتیکن هم‌ساز می‌شود؟ برای رد یا اثبات این ادعا از روش خود فوکو که در زیر می‌آید برای تحلیل اینترنت استفاده می‌کنیم.

اصل روش‌شناختی “واژگونی”^۱

به‌منظور پی‌گیری ادعاهای مقاله در این پژوهش با استفاده از روش واژگونی فوکو به دنبال طرح گسست‌هایی بوده‌ایم که ممکن است در جهان پست‌مدرن رخ داده باشد (فوکو، ۱۹۷۲). این گسست‌ها به‌ویژه در عصر موسوم به عصر اطلاعات و ارتباطات و با پدیدار شدن رسانه‌های نوین به‌وجود می‌آیند چرا که این تکنولوژی‌ها می‌توانند در این عصر کارکردهای گوناگونی پیدا کنند.

¹ reversality

اما روش واژگونی چیست و چگونه به کار می‌رود؟ واژگونی برای فوکو به عنوان ترفندی روش‌شناختی محسوب می‌شود و عبارت از آن چیزی است که ممکن است آدمی در فرض مفهوم مخالف، در ذهن خود احیا کند. بدین معنا وقتی سنت و یا مکتبی، یک تفسیر خاص از رویدادی تاریخی عرضه می‌دارد می‌توان با طرح تفسیر و تعبیر مقابل آن، زمینه‌ی اندیشه‌ی تازه‌ای را در آن خصوص مهیا کرد. به عبارت دیگر، وقتی پدیده‌ای از زاویه‌ی خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان افق تازه‌ی آن را با روش واژگونی کشف و مطرح کرد. اصل واژگونی در پی آن است که سبک گفتمانی حاکم بر نگاه تاریخی یا فلسفی را کالبدشکافی و درواقع ساحت نااندیشیده‌ی آن را مطالعه کند (فوکو، نقل از ضیمران ۱۳۸۹: ۳۸).

فوکو از اصول چهارگانه‌ای برای ارائه‌ی شناختی متفاوت از دانش موجود و تاریخ‌مند غربی پیروی می‌کند. این اصول بدین قرارند: ۱- واژگونی، ۲- گسست و انقطاع^۱، ۳- ویژه بودن^۲ و ۴- برون‌بودگی^۳ (فوکو ۱۹۷۲ و ۱۹۷۷). اما چنین به نظر می‌آید که اصل واژگونی‌اش بر سه اصل دیگر اشراف دارند چرا که گسست و ویژه بودن و برون‌بودگی نیز از ملزومات تولید دانش از طریق واژگونی‌اند. در این مقاله ما بر روی اصل واژگونی و اصل گسست تاکید داریم و سعی داریم نشان دهیم که در نظر گرفتن گسست‌های مهم در روند کار و تاریخ بشر، یکی از ضرورت‌های روش‌شناختی اصل واژگونی فوکو در فرآیند رخداد پدیده‌ها به حساب می‌آید. بر این اساس کار گسست می‌تواند یک کار پژوهشی عملی و میدانی باشد که برمبنای پرسش‌های مطرح‌شده به آن پرداخته می‌شود. به یک معنا کار گسست عبارت از گفتن آن چیزی است که هست و نمایاندن آن به منزله‌ی آن چیزی است که می‌تواند نباشد، یا گفتن آن‌چه که می‌تواند آن‌گونه که هست نباشد (فوکو ۱۳۸۰: ۱۳۳، فوکو ۱۹۷۷). فوکو با این اصل از ما می‌خواهد که با به پرسش کشیدن عادات ذهنی بدیهی، اندیشیدن و تغییر دادن را خودمان انجام دهیم (کریسمس ۱۳۷۹: ۳۴۰). ما در این‌جا از اصل واژگونی که آن را با یک تحقیق میدانی همراه می‌کنیم استفاده می‌کنیم تا روش تحقیق ما برای پرداختن به دو گسست در عصر پست‌مدرن ساخته و پرداخته شود. گسست اول با به زیر پرسش بردن و مطرح کردن فرض مخالف گزاره‌ی حاکم یعنی «کاربر فعال» و «اینترنت؛ محیطی ایده‌آل برای شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی»، افق

^۱ discontinuity

^۲ specificity

^۳ exteriority

تازه‌ای را برای ما باز کرده و اینترنت را به‌عنوان یک پدیده‌ی دیگری می‌شناساند که در آن ساحت‌های نااندیشیده‌ای (غیرهابرماسی مسلط) آشکار می‌شود. در پی این، و در راستای رد گزاره‌ی حاکم، گسست دوم درعین‌حال که تأییدی تجربی بر رد گزاره‌ی حاکم نخست است، شاهدی نیز بر عینیت‌یافتگی اهمیت تاریخ و فرهنگ‌های غیرغربی سرکوب‌شده در شناخت و تعریف دیگری از قدرت و حوزه‌ی عمومی در میدان اجتماعی جامعه‌ی معاصر ایران است. داده‌های لازم برای چنین پژوهشی را از طریق اتنوگرافی درون‌کاوانه به‌دست آورده و در مسیر تحلیل دو گسست ارائه می‌کنیم. مشاهده‌ی مشارکتی در سازوکارهای اجتماعی-فرهنگی سال‌های بعد از ۱۳۸۵ و مشاهده‌ی مستقیم رفتارهای جمعی کنش‌گران اینترنتی مبنای جمع‌آوری این داده‌ها می‌باشند.

گسست اول: پست‌مدرنیته و جامعه‌ی کنترلی مبتنی بر ارتباط

آنچه که مدرنیته علی‌رغم نهادها و فناوری‌های انضباطی نتوانسته به آن دست یابد، همانا درونی کردن قدرت در جسم و بدن‌های افراد برای کنترل و اعمال سلطه‌ی کامل بوده است. فوکو معتقد است که فقط با انتقال از جامعه‌ی انضباطی به جامعه‌ی مبتنی بر کنترل است که زندگی به اُبژه‌ی قدرت تبدیل می‌شود و بالاترین کارکرد آن این می‌شود که زندگی را کاملاً احاطه کند. سازوکارهای سلطه در حوزه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی کنترلی بسیار دموکراتیک‌تر و درونی‌تر در درون مغزها و بدن‌های شهروندان جریان دارد. این جامعه در لبه‌ی نهایی مدرنیته واقع است و رو به پسمدرنیته دارد و از این رو رفتارهای ناظر بر شمول و حذف اجتماعی حکومت، در درون سوژه‌ها درونی شده است. اکنون قدرت از طریق ماشین‌هایی اعمال می‌شود که مستقیماً مغزها و بدن‌ها را به‌سوی یک حالت بیگانگی خودبه‌خودی از معنای زندگی و میل به خلاقیت هدایت می‌کند (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۴۸). در چنین جامعه‌ی کنترلی پست‌مدرنیستی است که «قدرت» از همیشه نادیدنی‌تر و ناملموس‌تر است. «به این معنی که می‌خواهد در اعماق جهان اجتماعی گسترش یابد و نه تنها می‌خواهد مبانی جهان اجتماعی (اندیشه، کنش، گروه‌ها) را کنترل کند، بلکه پیش‌تر می‌رود و تلاش می‌کند تا از قدرت زیستی برای کنترل سرشت انسانی استفاده کند؛ یعنی مغزها و بدن‌های مردم را کنترل کند» (هارت و نگری ۲۰۰۰، ریتزر ۱۳۸۹: ۴۸۱). درواقع با انتقال از جامعه‌ی انضباطی مدرن، که مبتنی بر امور و نهادهای مدرن است، به جامعه‌ی کنترلی پسمدرن، این «ارتباطات» و نهادها و صنایع ارتباطی هستند که نقش مهمی در

کنترل افراد ایفا می‌کنند. «یکی از ابزارهای مهم نظام سرمایه‌داری پسامدرن برای کنترل افراد و درونی کردن قدرت زیستی اِتر^۱، به‌معنای "مدیریت ارتباط" و "تنظیم فرهنگ" است که امروزه بیش از هر زمان دیگر امتیازات ویژه‌ی حاکم محسوب می‌شوند. نظام‌های معاصر ارتباطی و اِتر به‌عنوان قدرت دموکراتیک سرمایه‌داری پسامدرن، تابع حاکمیت پسامدرن نیستند؛ بلکه به‌نظر می‌رسد حاکمیت تابع "ارتباط" باشد و درواقع این حاکمیت است که به‌وسیله‌ی کنترل ارتباطی مفصل‌بندی می‌شود» (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۳۳۱ و ۳۳۰). به‌عبارت دیگر می‌توان گفت جامعه‌ی کنترلی «پسامدرن خود، به‌نحوی محصول توسعه‌ی "ارتباط" است» (لایون، ۱۳۸۷: ۹۳).

اِتر به‌معنای اعمال سلطه‌ی جهانی از طریق کنترل ارتباطات، توانسته است پول و بمب به‌عنوان دو عامل کنترل امپراطوری را در خود ممزوج کند؛ مطلق شدن اعمال کنترل تنها از آن طریق که به زیستی شدن قدرت در جامعه‌ی کنترلی پست‌مدرن می‌انجامد (هارت و نگری، ۱۳۸۴). در واقع اِتر با مرکززدایی از نهادهای اقتصادی و نظامی (پول و بمب) توانسته است به‌طور مستقیم به عامل درونی بدن‌ها و ذهن‌های افراد و شیوه‌ی زیست آن‌ها تبدیل شود. به‌نظر هارت و نگری (۱۳۸۶) این قدرت نامتمرکز پست‌مدرن به‌طور تناقض‌آمیزی در آمریکا تمرکز یافته و اِتر به‌عنوان یکی از عوامل اجرایی این قدرت، در لوس‌آنجلس و در صنایع، نهادها و تکنولوژی‌های ارتباطی آن متمرکز شده است و این امر آمریکا را در وضعیت مرکزی قرار داده است (بنگرید به مورگان ۲۰۰۶: ۹۷). ارتباطات در جهان پست‌مدرن، آن‌طور که فوکو معتقد است، زندگی را به اُبژه‌ی قدرت تبدیل کرده است (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۴۸). ارتباطات هم‌چنین به‌عنوان واسطه‌ی کنترلی ضمن مستعمره کردن نهادهای اجتماعی، سبب شده تا تولید سوپژکتیویته‌ها دیگر تعریف و تعیین مکانی و زمانی نداشته باشد و بیرون از نهادهای انضباطی مدرن در مکان و زمان نامشخص و مختلط شکل بگیرد (همان ۳۱۸ و ۳۱۷). منطق انضباط نیز در چنین شرایطی بر این اساس است که به‌طرز شدیدتری نسبت به مدرنیته، شالوده‌بندی و بر این نهادها اعمال شود (همان). این قدرت کنترلی که مبتنی بر ارتباط است، با فعالیت‌های کار

^۱ Ether

هارت و نگری مفهوم «اِتر» را بدین دلیل به‌کار می‌برند که حالت بی‌هوش‌کننده‌ی آن را به ذهن تداعی کنند و نشان دهند که قدرت در جهان جدید نیز یک چنین خاصیتی دارد.

غیرمادی سوژه‌ها کاملاً همه‌جایی است (تامپسون ۲۰۰۵: ۸۰ و ۸۱). حال با این توضیحات پرسش این است که وضعیت کاربر در جهان اینترنت در گسست اول چه می‌شود؟ به این پرسش در بحث زیر پاسخ می‌دهیم.

«اینترنت» و «کاربر» به مثابه «کارخانه» و «کارگر» پست‌مدرن

در این‌جا نشان می‌دهیم که اگر با رویکرد ترکیبی فوکو، هارت و نگری نگاه کنیم در این صورت می‌توان اینترنت و کاربرانش را در قالب کارخانه و کارگران در میدان زندگی پست‌مدرن تصور کرد.^۱ بحث را از این‌جا آغاز می‌کنیم که در دهه‌های پایانی قرن بیستم کار صنعتی موقعیت هژمونیک خود را از دست داد و به‌جای آن کار غیرمادی به وجود آمد؛ یعنی کاری که محصولات غیرمادی‌ای چون دانش، اطلاعات، ارتباطات، رابطه یا واکنش عاطفی تولید می‌کند (ژریک ۲۰۱۲). اصطلاحات متعارفی چون کار خدماتی، کار فکری و کار شناختی همه ناظر بر ابعاد کار غیرمادی هستند، اما هیچ‌کدام گویای عمومیت آن‌ها نیست. کار غیرمادی ایده‌ها، نمادها، رموزها، متون، پیکره‌های زبانی، تصاویر و محصولات مشترک را تولید می‌کند. شکل اصلی این کار «کار عاطفی»^۲ است که در بدن و ذهن درونی‌شده و صورت می‌گیرد و وضعیت خاص بدن را به شیوه‌ی اندیشیدن متجلی می‌کند. در این بین رسانه‌ها و ارتباطات که عملیاتی زبانی و فکری هستند در ایجاد عاطفه و تأثیرگذاری بر آن به‌شکلی غیر قابل اجتناب عمل می‌کنند. این نوع کار که مبتنی بر ارتباط است و با بدن و ذهن‌های ما به‌طور مستقیم و درونی در ارتباط است، در کنار تولیدات مادی به تولیدات غیرمادی از طریق بدن‌ها و ذهن‌های ما می‌پردازد.

این کار سیاسی است که از طریق ارتباطات توانسته خود را زیستی کند و نهایتاً با تولید زندگی برای ما به تولید قدرت زیستی برای جامعه‌ی کنترلی پسامدرن کمک کند. معمول است که می‌گویند «رسانه‌ها باید عواطف و اشکال زندگی را بسازند» و در این‌جا تمام اشکال ارتباط با ترکیب تولید نمادها، زبان و اطلاعات با عاطفه، زندگی افراد را برای تولید سیاسی به کار می‌گیرد. «ما پی برده‌ایم که این شکل کار غیرمادی که بر تمام اشکال دیگر تولید هژمونی اعمال

^۱ این برداشت با رویکرد ژریک (۲۰۱۲) به وضع تحصیل‌کرده‌ها در جهان جدید نزدیک است.

^۲ affective labor

می‌کند کار "زیستی-سیاسی" است؛ یعنی کاری که نه تنها کالاهای مادی، بلکه روابط و نهایتاً خود زندگی اجتماعی را نیز تولید می‌کند» (هارت و نگری ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۶). قدرت در جامعه‌ی کنترلی پست مدرن از طریق کار عاطفی و به‌عنوان یکی از کارهای غیرمادی اعمال می‌شود و این براساس مناسبات و عناصر تولیدی و تکنولوژیکی آن است که تحقق می‌یابد. در این بین «محصول روابط و تعاملات انسانی سوژکتیویته‌ی جدید، کار عاطفی است که از بیرون تحمیل و یا سازمان‌دهی نمی‌شود و چیزی جز احساس آرامش، رفاه، رضایت و شوق و هیجان نیست. آن‌چه که در این جا مهم است همانا دست‌کاری عاطفه و هیجان و کنترل آن برای پیش‌برد اقتصاد پست‌مدرنیستی است» (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۲۸۵ و ۲۸۴). در این وضعیت، این «ارتباط» است که گردش مستمر و کامل نشانه‌ها را تحمیل می‌کند و سعی دارد تا شکلی از اشکال تولید نظام سرمایه‌دارانه را متبلور کند که در آن سرمایه در مسدود کردن تمام مسیرهای جایگزین و تسلیم کامل و جهانی جامعه به رژیم خود کام‌یاب شود (همان، ۳۳۰). به‌گفته‌ی نیکلاس نگروپونته (دنت، ۲۰۰۲: ۱۰) با ماهیت پویای «ارتباط» در اینترنت و فضای مجازی ناشی از رهایی‌یافتگی از استبداد مادیت است که همان‌طور که هارت و نگری می‌خواهند «انجام کار غیرمادی عاطفی نه تنها برای فتح قلب و ذهن‌ها صورت نمی‌گیرد، بلکه برای آفریدن قلب‌ها و ذهن‌ها از طریق ساختن و ارائه‌ی چرخه‌های جدید ارتباط و شیوه‌های جدید تعامل صورت می‌پذیرد» (هارت و نگری ۱۳۸۶: ۱۱۵). اینترنت در این نظر نوعی تکنولوژی زیستی^۱ است که می‌تواند به اعمال نظارت و قدرت زیستی بر روی ذهن و جسم انسان‌ها پردازد (مرداک ۱۳۸۹: ۹۱۱). یکی از منابع تشدید قدرت زیستی، کار عاطفی است که خصوصاً در فعالیت‌های تعاملی افراد وجود دارد. اطلاعات و ارتباطات است که صنایع ارتباطی را به‌عنوان تکنولوژی‌های زیستی تقویت می‌کند و اینترنت نیز مستثنی از این قاعده نیست و خلاف این امر عمل نمی‌کند (شیلر ۱۹۹۹). علی‌رغم این‌که به آن اسطوره‌ی شبکه‌های ارتباطی افقی گفته می‌شود، اما با تمرکززدایی از قدرت از طریق کار غیرمادی و عاطفی، هنوز هم ابزاری است که از متمرکز کردن سرمایه فرونکاسته است (تامپسون ۲۰۰۵: ۸۵ و ۸۰). طرف‌داران دفاع از اینترنت محض از دنیای تازه‌ای حرف می‌زنند که با دنیای قدیمی رسانه‌های توده‌ای که افراد در آن‌ها نقشی فعال نداشتند، در تضاد است (برتون، ۲۰۰۱: ۷). «این فضا خیلی کم توسط حکومت، مدرسه، و والدین کنترل

^۱ bio-technology

می‌شود. افراد هرچه که می‌خواهند روی وب تولید می‌کنند». این افراد احساس نمی‌کنند که قدرتی در آن‌جا وجود دارد بلکه آن را غایت آزادی می‌دانند و از این امر کامروا هستند (سولر ۲۰۰۵: ۷، هالند ۱۹۹۶). اینترنت به‌مثابه ابزاری شادی‌آور (دنت ۲۰۰۲: ۶) فضایی است که توانسته با فعالیت‌های ارتباطی و عاطفی و «ارضا و رفاه روانی کاربران و درگیری کامل ذهنی و جسمی آن‌ها در این فضای مجازی..... به اعمال قدرت مشرف بر حیات در درون جسم و مغزهای آن‌ها بینجامد و... برای ساعت‌هایی نامحدود و نامشخص آن‌ها را "در - گیر" (تاکید از ما است) خود نگه دارد» (ریوا ۲۰۰۳: ۵) و با معتاد و حبس کردن آن‌ها در این فضا، به تغییر سوزگی آن‌ها پردازد (تامارا ۲۰۰۳). برخی افراد نمی‌توانند در برابر لذت بازی‌گوشی با کامپیوتر مقاومت کنند. آن‌ها کامپیوتر را جایگزین زندگی روزمره می‌دانند، حتی برای لذت بردن از ساعت‌ها و ساعت‌ها کار با کامپیوتر یا گشت‌وگذار در وب، زندگی زناشویی خود را در معرض خطر قرار می‌دهند به‌طوری که برخی از زنان حس می‌کنند که با وجود اینترنت دیگر نیازی به همسر ندارند (سولر ۲۰۰۳). اینترنت دنیایی است که متجاوزین به عنف و آدم‌ربایان و نهایتاً اکثر افراد در آن ولگردی و پرسه‌زنی می‌کنند و بقیه‌ی افراد جاده صاف‌کن، که خود را شهروندانی قانون‌مند تصور می‌کنند، ساعت‌ها وقت خود را صرف گفت‌وگو در این فضای مجازی می‌کنند؛ در صورتی که واقعیت چیز دیگری است. درواقع آن‌ها بر موجی سوار شده‌اند که به‌دنبال قربانیان تازه‌ای می‌گردد. عده‌ای نیز حقیقتاً گمراه می‌شوند و هرگز نمی‌توانند خود را از شبکه‌ی آشفته‌ی اینترنت رها کنند و نمی‌توانند معشوقه‌های جدید کامپیوتری خود را کنار زده و یا آن‌ها را مهار کنند؛ برعکس آن‌ها را بر روابط زندگی خود ترجیح می‌دهند (هیوز ۲۰۰۳: ۲). با این وصف ما شاهد این می‌شویم که در عصر پست‌مدرن همان‌طور که برداشت فوکو نشان می‌دهد، تکنولوژی‌هایی که از قدرت زیستی برخوردارند و بر ارتباط متکی هستند، خود به تعیین نوع زندگی می‌پردازند و یا به‌عبارت دیگر زندگی را این‌همانی قدرت پست‌مدرن می‌کنند. چالش پست‌مدرنیته توسط سویژکتیویته‌های جدید نیروی کار و ترکیب فکری و ارتباطی جدید در آن ایجاد می‌شود و این تنها می‌تواند براساس عناصر لیبرالی صورت پذیرد. با مناسبات تولیدی جدید بر محور تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعات سایبرنتیکی است که پست‌مدرنیته نشان‌دهنده‌ی روش جدید انسان شدن و «سوزده شدن» است (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۲۸۱ و ۲۷۱). در این فضا است که «قدرت و اعمال خشن آن بر روی جسم واپس زده می‌شود و

سرانجام به‌بهای نوعی آزادی برای کام‌یابی و هیجان و شوق، مجدد شکل می‌گیرد» (هارلند ۱۳۸۰: ۲۳۲). البته این نوع از آزادی نیز خود خشن‌تر از قبل بر روی روان و ذهن اعمال می‌شود. این فقط با «امر ارتباطاتی» است که می‌تواند مشددتر از امر اجتماعی اعمال شود چرا که مستقیماً با جسم، ذهن و افکار سروکار دارد. این قدرتی است که خلاف قدرت اولیه از بالا تحمیل نمی‌شود و خشن نیست؛ بلکه قدرت مطلق است که از پایین و با لذت بردن آن‌ها اجرا می‌شود (همان: ۲۳۷). تأکید پست‌مدرنیستی فوکو بر باز-خلق بدن با اسلوب‌های جدید میل و لذت، ما را به نوع جدیدی از سبک زندگی ترغیب می‌کند که در مورد اصول اخلاقی مطلق و اهداف و خواسته‌های غایی هیچ نگرانی و دغدغه نداشته باشیم. افراد می‌توانند خود را «به هر آنچه پیش می‌آید و اتفاق می‌افتد»^۱ و لذت بردن از آن بسپارند (فینگرز ۱۹۹۳: ۲۵). در جهان پست‌مدرن سرمایه‌داری که لذت نقش حیاتی ایفا می‌کند، می‌توان با آن اعمال زور را به‌خوبی و خوشی کنار گذاشت (لایون ۱۳۸۷: ۱۱۷)، چرا که دیگر قدرت با خودانگیختگی و خودپذیرندگی اجرا می‌شود (دلوز ۱۳۸۷: ۱۱۱)، و براساس طلب و ایجاد همکاری‌های جدید ارتباطی به تولید غیرمادی ارتباط، دانش و تصاویر مشترک، در یک محیط ماده‌زدوده برای سرمایه‌داری می‌انجامد. این‌ها سوژکتیویته و اُبژکتیویته‌ی جدیدی را برمی‌سازند که مبتنی بر تولید غیرمادی پست‌مدرنیستی، خارج از سرمایه و در درون خود کار غیرمادی می‌باشند. در قلمرو کارخانه‌ی مجازی و «کار غیرمادی، چرخه‌های منظم تولید کارخانه‌ای و تقسیم‌بندی‌های مشخص زمان و مکان کار و زمان و مکان غیرکار رو به نابودی است» (هارت و نگری ۱۳۸۶: ۱۸۷ و ۱۸۵).

اینترنت به‌عنوان یک فضای مجازی و «محل پنهان تولید در جهان پست‌مدرن به تولید غیرمادی برای سرمایه‌داری» می‌پردازد که «بخشی از گفتمان تغییر هم در اشکال قدرت کنترلی و هم در تولیدات زیستی-سیاسی است که عقلانیت توده^۲ و کار غیرمادی آن‌ها عامل بسط‌دهنده‌ی قدرت زیستی می‌شود» (تامپسون ۲۰۰۵: ۸۰). رویکرد نگری و هارت به پارادایم تولید در عصر پست‌مدرن این است که «با یکی شدن کنش ابزاری اقتصادی و کنش ارتباطی، تولید به سطح پیچیدگی و تعاملات انسانی رسیده و از سویی دیگر کارگر به‌طور فزاینده، هر چه بیش‌تر از اُبژه‌ی کار خویش دور می‌گردد» (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۲۸۵-۲۸۴). فضای مجازی به‌مثابه یک

^۱ "go with the flow"

^۲ mass intellectuality

مکان غیرمادی که مبتنی بر عنصر اصلی تولید غیرمادی یعنی ارتباط است، به «کارخانه‌ی مجازی»^۱ و به عبارتی «کارخانه‌ی پست‌مدرن»^۲ سرمایه‌داری برای تولیدات غیرمادی آن یعنی ایده‌ها، دانش، اطلاعات و عاطفه و لذت «توسط» کارگران مجازی/کارگران پست‌مدرن^۳ خود می‌پردازد (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۲۸۴-۲۸۵).

در بحث زیر مفهوم قدرت زیستی‌نگری و پست‌مدرنیسم فوکو، و مصادیق آن یعنی اینترنت و پان‌پتیکن را در یک ظرف منطقی ترکیب کرده و قرار می‌دهیم و سپس تحلیل می‌کنیم.

اینترنت و پان‌پتیکن پست‌مدرن^۴:

اتخاذ رویکرد فوکو نشان می‌دهد که حاکمیت به‌جای تحمیل قدرت از بالا، به‌وسیله‌ی استراتژی‌های مختلف اجرا می‌شود؛ موضوعی که ما هم باید در اینترنت به نشانه‌یابی آن بپردازیم. ساختار شبکه‌ای اینترنت، آزادی ارتباطات و شکل‌گیری اطلاعات به‌سوی گروهی، همه با هم شکل حاکمیت را در اینترنت پدید می‌آورند (برسفورد ۲۰۰۳: ۸۷). جردن (۱۹۹۹) با تحلیل اینترنت از منظر فوکو، این فناوری قدرت^۵ را به‌عنوان استراتژی روابط قدرت، در قلب رسانه‌های جدید شناسایی می‌کند. برای جردن پویایی روابط قدرت پیرامون اینترنت می‌تواند به‌عنوان یک کشمکش بین قدرت‌یابی افراد و سلطه‌ی نخبگان قدرت قلمداد شود. حضور افراد در فضای مجازی با استفاده از ابزارهایی صورت می‌گیرد که منوط به فراساختارهای تکنولوژیکی^۶ است که توسط نخبگان و صاحبان قدرت کنترل می‌شوند (رول ۲۰۰۵: ۴۱۴). فوکو در تحلیل‌های خود پیدایش تکنولوژی‌های سیاسی را پیش از تکنولوژی‌های اقتصادی دانسته و برای آن‌ها اهمیت بیش‌تری در منضبط کردن سوژه‌ها برای پیروزی سرمایه‌داری قائل است (ضمیران ۱۳۸۹: ۲۴۵). باین‌حال امروز باید از تکنولوژی‌های پست‌مدرن کنترلی حرف بزنیم که متناسب با این عصر می‌توانند با استفاده از فناوری‌های کنترلی فرهنگی و رسانه‌ای به مطلق کردن قدرت بپردازند که مشخصه‌ی انتقال از جامعه‌ی انضباطی مدرن به جامعه‌ی کنترلی پست‌مدرن است. در جامعه‌ی انضباطی، ارتباط بین قدرت و افراد به‌صورت رابطه‌ای ایستا باقی

^۱ virtual Factory

^۲ postmodern factory

^۳ postmodern workers

^۴ postmodern panopticon

^۵ Technopower

^۶ Technological infrastructure

می‌ماند چرا که استیلای انضباطی قدرت با مقاومت افراد هم‌خوانی و برابری داشت. برعکس زمانی که قدرت در جامعه‌ی کنترلی کاملاً زیستی-سیاسی می‌شود، کل بدن اجتماعی توسط ماشین قدرت شکل می‌گیرد (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۴۹ و ۴۷).

گفته می‌شود که بیش‌تر کارهای فوکو، خصوصاً نظر او درباره‌ی پان‌اپتیکن به‌طور مستقیم به مطالعات تکنولوژی‌های مراقبتی کمک کرده است (لیون ۱۹۹۴، ویلکوکس ۲۰۰۶: ۲۷۵). آثار فوکو بر تحلیل اینترنت اثر گذاشته‌اند چرا که تایید می‌کنند که اشکال روابط قدرت، امروزه با تکنولوژی‌های گوناگون خصوصاً تکنولوژی‌های ارتباطی برای به‌دست آوردن تولیدات گوناگون اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی و فرهنگی به‌کار گرفته می‌شوند و رشد و پیشرفت امکانات منجر به انفصال آن‌ها از روابط قدرت متمرکز می‌شود. فوکو نگرانی‌هایی را درخصوص نقش جامعه‌ی مدنی در حفظ رژیم‌ی دارد که او آن را قدرتی تعبیر می‌کند که نوعی توانایی را برای کنترل اجتماعی از خود بروز می‌دهد (ینسن و دانزیگر، ۲۰۰۲: ۸). او اصرار می‌ورزد که قدرت ما را مجبور و محصور نمی‌کند، بلکه مولد است و به‌دنبال مکانیسم‌هایی برای ترغیب کردن و نه محصور کردن ما است. آنچه که قدرت را نیکو و سودمند نگه می‌دارد و آن را مورد پسند می‌نماید به‌سادگی این واقعیت است که به‌جای این که [به سوژه‌های خود] نه بگوید و سرکوب کند، لذت را تهییج می‌کند (فوکو ۱۹۸۰، نقل از مک‌کینلی ۲۰۰۶: ۹۸). زیوف (۱۹۹۸) به‌پیروی از فوکو تکنولوژی‌های ارتباطی را بعد مادی قدرت می‌نامد. او دین خود را به فوکو با طرح اصطلاح «پان‌اپتیکن اطلاعاتی»^۱ ادا می‌کند و به طرح این پرسش می‌پردازد که آیا امروزه برای انضباط بیش‌تر تقویت مراقبت‌های پان‌اپتیکنی از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی صورت نمی‌گیرد؟ یا این که آیا توسط این تکنولوژی‌ها امکانات جدید برای تشدید کردن قدرت زیستی عرضه نمی‌شود؟ (ویلکوکس ۲۰۰۶: ۲۷۸). بست و کلنر^۲ با توجه به محتویات موجود در فضای مجازی، تصدیق می‌کنند که رفتاری افراد و بدن‌هایشان در چنبره‌ی شبکه‌های فناوری‌های مراقبتی، به رابطه‌ی آزادی و قدرت مربوط است چرا که به پرورش و توسعه دادن انگیزه‌ها و شوق و لذت در افراد کمک می‌کنند (نقل در ویلکوکس ۲۰۰۷: ۲۹۰ و ۲۷۶). با توجه خاص به اینترنت، فضای مجازی به‌عنوان یک شبکه‌ی ارتباطی تنظیم‌گر نمایان می‌شود که می‌تواند به‌مثابه

^۱ information panopticon

^۲ Best & Kellner

یک شبه‌پان‌پتیکن عمل کند. البته این نوع تازه‌ای از پان‌پتیکن است که در آن بدن‌هایمان آزاد و خلاق، در رفاه و قادر به حرکت است (مونرو ۲۰۰۰، ویلکوکس ۲۰۰۶: ۲۸۹).

در عصر پست‌مدرن می‌توانیم تکنولوژی‌های ارتباطی و محیط‌های شبکه‌ای و سایبرنتیکی را به‌عنوان کارخانه‌های پان‌پتیکنی مجازی در تولید پارادایم پست‌مدرنیستی سرمایه‌داری و قدرت کنترلی مبتنی بر ارتباط آن بدانیم که جایگزین کارخانه‌های صنعتی تولید مدرنیستی شده است. در پارادایم اقتصاد پست‌مدرنیستی، کار غیرمادی منجر به تولید محصولات فرهنگی و ارتباطی می‌شود و انضباط و کنترل، در پان‌پتیکن شبکه‌ای و مجازی^۱ صورت می‌گیرد که حتی می‌تواند به‌صورت انفرادی نیز صورت پذیرد (هارت و نگری ۱۳۸۴: ۲۸۳ و ۲۸۸). فعالیت‌های آنلاین کاربران، در وهله‌ی اول به‌نظر می‌رسد که به‌رهایی آن‌ها از سلطه‌ی ارائه‌دهندگان خدمات گوناگون اینترنتی می‌انجامد و با ارتباطات الکترونیکی، معناسازی و معناگیری آن‌ها تسهیل می‌شود. بااین‌حال خدمات اینترنتی که بر روی فضای مجازی راه‌اندازی شده، به‌عنوان شکل‌دهنده‌ی یک «پان‌پتیکن جدید فضای مجازی» است که کاربران را مجبور می‌کند تا خود را تنها در آن تجربه کنند (برینگل و هچر ۲۰۰۰، هایر و همکاران ۲۰۰۷: ۷۲۸). این امر شبیه به توپولوژی مدرن است که دیگر مکانی ممتاز را به‌منزله‌ی منشاء قدرت تعیین نمی‌کند (دلوز ۱۳۸۶: ۵۱). این توپولوژی همه‌مکانی پست‌مدرنیته (نگری و هارت ۱۳۸۴) است که همه‌ی فضاها را برای اعمال قدرت خود، در اختیار گرفته و با شبکه‌های ارتباطی گسترده و پراکنده‌ی خود، به تولید زیستی قدرت می‌انجامد. اینترنت به‌عنوان یکی از عناصر لیبرال اقتصاد پست‌مدرنیستی «باتوجه به محیط ماده‌زدایی‌شده و مرکززدوده‌ی خود» برای اعمال قدرت کنترلی به کار می‌رود و می‌تواند از هر مرکزی و مکانی مرکززدایی کند. «آن یک شی نیست بلکه روابط بین افراد است و این به هرچه‌بیش‌تر وسیع شدن این ارتباطات و به‌وجود آوردن گروه‌های وسیع‌تر می‌انجامد» (برسفورد ۲۰۰۳: ۸۷). مهم‌ترین مسئله‌ای که به تکنولوژی‌ها و پسامدرنیته مربوط است، تمرکز و پراکندگی قدرت است. در این وضعیت، نقد به‌اصطلاح مدرنیستی از هراس از پیامدهای قدرت متمرکز، با ارجاع به قدرتی انجام می‌شود که ظرفیت‌های عظیم تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعات، رخداد چنین قدرتی را تسهیل می‌کنند. در این وضعیت است که به‌نظر می‌رسد در آینده‌ی نزدیکی، همان‌طوری که پاستر (۱۹۹۰) اشاره می‌کند، ممکن

^۱ virtual and network panopticon

است شکل‌های جدیدی از سلطه در حال ساخته شدن باشند. او نظارت الکترونیکی را سوپرپان‌اپتیکن^۱ می‌بیند که نه فقط قدرت دانش و اطلاعات را تقویت می‌کند، بلکه سوژه‌هایی که ابژه‌ی آن‌ها هستند را نیز باز می‌سازد و تکثیر می‌کند (لایون ۱۳۸۷: ۸۵ و ۹۲). درواقع همین تکنولوژی‌های کنترلی «ارتباط-محور» پست‌مدرن هستند که می‌توانند از نهادهای انضباطی اولیه برای پنهان کردن مرکز قدرت، ماده‌زدایی و مرکززدایی کنند. راه و روش‌های نهادینه‌ی مستحکمی که حدود دویست سال وجه مشخصه‌ی جامعه‌ی مدرن بوده‌اند با زمین‌لرزه‌ی ارتباط الکترونیکی به لرزه درآمده و دوباره به صورت راه و روش‌های جدیدی ترکیب می‌شوند (پاستر ۱۹۹۰، لایون ۱۳۸۷: ۸۴). در وضعیت پست‌مدرن است که آمریکا به‌طوری پارادوکسیکال با مرکززدایی از نهادهای تولیدی و حاکمیت خود در مرکز قرار می‌گیرد و کار غیرمادی آن امروزه وضعیت هژمونیک پیدا کرده است (هارت نقل در مورگان ۲۰۰۶: ۹۷). معماری اینترنت که در ابتدا توسط وزارت دفاع آمریکا و با نام آرپا-نت^۲ راه‌اندازی شد، با خصیصه‌ی شبکه‌ای بودنش، ارتباطات هم‌زمان و همراه با آن قدرت کنترلی را پراکنده می‌کند. «معماری‌ای که دیگر از مکان مرکزی برخوردار نیست» (برسفورد ۲۰۰۳: ۹۳ و ۸۳). در جهان پست‌مدرن مقصود از این کار (راه‌اندازی اینترنت توسط وزارت دفاع آمریکا) این است که «قدرت نظامی سعی می‌کند نه تنها با مسائل سیاسی، بلکه با کل تولید زندگی اجتماعی نیز منطبق و هم‌سو باشد و هدف آن‌ها در نهایت، تولید ارتباط و مشارکت و کار غیرمادی است» (هارت و نگری ۱۳۸۶: ۳۹۲). جرج اورول به جنبه‌هایی از نظام کنترلی اشاره می‌کند که با مدل پان‌اپتیکنی برای تسهیل کردن امر نظارت به‌کار گرفته می‌شوند. این همان فرآیندی است که در آن به‌جای این‌که چیزی به افراد تحمیل شود، اطلاعات از آن‌ها و برای کنترل آن‌ها بیرون کشیده می‌شود. سرتاسر روابط شبکه‌ای قدرت، خودشان را در درون ساختارهای روابط اجتماعی قرار داده‌اند تا با جمع‌آوری اطلاعات به کنترل افراد بپردازند. افراد تنها زمانی می‌توانند از اطلاعات استفاده کنند و نیز به بیان آن‌ها بپردازند که در درون شبکه‌های روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها رفتار کنند و به عبارت دیگر، با این بیان، این اطلاعات همان قدرت است (برسفورد ۲۰۰۳: ۹۶). قدرت کنترلی مبتنی بر ارتباط در «پان‌اپتیکن مجازی/ زندان مجازی»^۳ است که با آزادی و برابری مهیا شده در فضای مجازی،

^۱ superpanopticon

^۲ The Advanced Research Projects Agency (ARPA)

^۳ virtual prison

از ما به‌عنوان مولدان قدرت برای پراکنده‌سازی خود در بدن‌ها و ذهن‌هایمان استفاده می‌کند. چرا که از منظر فوکو قدرت تنها در سازگارسازی خود با آزادی است که می‌تواند به‌صورت مطلق اعمال شود. درواقع ما تنها موقعی می‌توانیم براساس آزادی‌مان عمل کنیم که قدرت عمل می‌کند. به‌عبارت دیگر، آزادی ما و بودن آن همراه با بودن قدرت است. قدرت فوکویی زمانی که ما آزاد هستیم اعمال می‌شود چرا که «کار پان‌اپتیکنی، سوژه‌های خود را با زور، برای انجام رفتار مشخصی با روش خاصی تحمیل نمی‌کند، بلکه آن‌ها را دارای اختیار می‌کند که به‌دل‌خواه خود رفتارشان را تغییر و تعدیل کنند» (کینگ ۲۰۰۹: ۳۰۰). هارت و نگری این سوژه‌ها را اساساً منفعل می‌دانند؛ به این معنی که به‌جای این‌که خودشان عمل کنند، هدایت می‌شوند (نقل در برج ۲۰۰۶: ۱۳). فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به همان نوع آمادگی و امکان دگرگونی و گسترش همه‌جانبه را می‌دهد که اساس پان‌اپتیکن بتهام خواهان آن بود. درواقع آنچه این فناوری‌ها از آن پشتیبانی می‌کنند، همان سازوکار قدرت است. اما اینک از الزامات معمارگونه‌ی سنگ آجری بتهام رها شده است و برپایه‌ی انقلاب ارتباطات می‌توان گفت که نه‌فقط زندان و کارخانه بلکه در کل جامعه به‌منزله‌ی تشکیلاتی سلسله‌مراتبی و انضباطی عمل می‌کنند. فوکو معتقد است که پان‌اپتیکن نشان‌گر سنجی تعمیم‌پذیر از تعیین محل بدن‌ها در فضا و پراکندگی افراد نسبت به یک‌دیگر، آرایش کانون‌ها و مجراهای قدرت و تعریف ابزار و روش‌های مداخله‌ی قدرت است (رابینز و ویستر ۱۳۸۵: ۱۷۵). تنها برای فناوری‌های رسانه‌ای دوره‌ی پست‌مدرن است که لازم نیست کنترل افراد را برخلاف گذشته در زمان و مکان مشخص و محدودی اعمال کنند بلکه نفوذ آن‌ها به زیستی‌ترین و آزادترین زمان و مکان ما یعنی در خانه‌ها و خانه‌های مجازی صورت می‌گیرد چرا که می‌توانند قدرت زیستی را تشدید کنند. «حسن فناوری‌های نوین ارتباطی فراتر رفتن آن‌ها از بعضی محدودیت‌های اعمال انضباطی بر زمان است. آن‌ها به ژرف‌ترین زوایای خانه‌های ما نفوذ می‌کنند و اوقات فراغت و آزاد ما را هرچه بیش‌تر تابع نظم و کنترل می‌کنند» (رابینز و ویستر ۱۳۸۵: ۱۷۱). این نکته در رسانه‌های غیرتوده‌ای^۱ نوین آشکار است که اکنون مشغول سست کردن بنیاد الگوهای تمرکز، هم‌زمان‌سازی و یک‌دست‌سازی رسانه‌های همگانی‌اند. گفته می‌شود این رسانه‌های نوین از طریق گونه‌گونگی موجب می‌شوند تا حق انتخاب و آزادی وسیع‌تری ایجاد شود. باین‌همه

¹ demassified

می‌توان گفت که در واقع تمرکززدایی بیش از آن‌که نشان‌دهنده‌ی راهی به‌سوی آزادی و دموکراسی باشد، اعمال موثر قدرت را کارتر می‌کند. می‌توان تاکید کرد که «کلبه‌ی الکترونیک» یا «خانه‌ی الکترونیکی» که تمرکززدایی شده در چهارچوب ساختار اجتماعی‌ای جای می‌گیرد که به‌نحوی روزافزون تابع گرایش‌های تمرکزگرا و اعمال نظم و قدرت متمرکز است (رابینز و ویستر ۱۳۸۵: ۱۷۲). «ارتباطاتی شدن کنترل» در پست‌مدرنیته به وضعیتی شکل می‌دهد که در آن پراکندگی هر امری به این برداشت می‌انجامد که کسی سلطه‌گر نیست و چیزی هم تحت سلطه قرار ندارد و از این جهت دلیلی هم برای رهایی از سلطه وجود ندارد (کوران ۲۰۰۲). بااین‌حال هنوز گفته می‌شود که ظهور اینترنت، وب و انقلاب دیجیتالی قابلیت رهایی‌بخش دارند. وب، قدرت را به مردم انتقال می‌دهد و ساختن ذهنیت‌های رهایی‌یافته را آسان می‌کند (پاستر ۲۰۰۱)؛ ضمناً اکتیویسم جهانی و شکلی نو از سیاست ترقی‌خواهانه و رهایی‌جویانه را نیز پرورش می‌دهد (دانک و دیگران ۲۰۰۴). اینترنت، هم‌چنین دهکده‌ی جهانی خوش‌گذرانی را پدید می‌آورد که با به آزمایش انداختن دموکراسی الکترونیکی، آن را آسان کرده است (تساگاریسیانو و همکاران ۱۹۹۸) و ما در «روزهای شاد»ی با این فناوری‌ها قرار گرفته‌ایم و چنین به‌نظر می‌رسد که همه‌ی این روایت‌ها صریح و خالی از ابهام باشند. ولی نکته‌ی اصلی و کلی این آثار شکی بر جای نمی‌گذارد که دستگاه رسانه‌ای سلطه‌طلب ما با اضافه شدن رسانه‌های جدید به‌شیوه‌ای حیرت‌انگیز غنی شده است (کوران ۲۰۰۲). این آزادی، توهمی بیش از نوع فلسفه مدرنیستی‌ای نیست (لایون ۱۳۸۷: ۳۶). کارگری ما هم‌چنان در تولید کار عاطفی به‌منظور اجرای قدرت کنترلی سرمایه‌داری است که «به‌طور روزافزون با روابط و ارتباطات توده‌ای مردم و به‌صورت غیرمادی تولید می‌شود» (هارت و نگری ۲۰۰۵، هارت و نگری ۱۳۸۴: ۳۳۰). امروز قدرت کنترلی به‌وسیله‌ی ارتباط، با اینترنت به درجه‌ی کمال خود رسیده است که «سرکوب نمی‌کند، بلکه نظارت می‌کند، برمی‌انگیزد و خلق می‌کند» و نشان می‌دهد که دیگر قدرت توده‌سازی افراد «در دست طبقه یا نهاد خاص بالاتر از ما نیست و موقعیتی است، ساخته شده که در آن قدرت پراکنده‌تر و پنهان‌تر شود تا همه‌ی افراد در آن قرار گیرند» (کریسمس ۱۳۷۹: ۳۳۳).

اما باز پرسش این است که تحلیل‌ها چگونه می‌توانند زوایای گسست دوم را روشن کنند؟ در بحث زیر این وجه از ادعای مقاله را روشن می‌کنیم. در بحث بالا به جنبه‌های گوناگون

گسست اول که عبارت است از انتقال از شیوه‌های کنترلی پان‌اپتیکنی و مدرن به شیوه‌های کنترلی پست‌مدرن که مبتنی است بر گسترش صنعت نوین ارتباطات پرداختیم. اما ما معتقدیم که انسان‌ها نیز در این مسیر بی‌کار نیستند و به مقاومت و به کنترل درآوردن اینترنت و فناوری‌های نوین امپراتوری می‌پردازند. ممکن است بپرسیم چگونه؟ این پرسش را در بحث زیر به عنوان گسست دوم پاسخ می‌دهیم.

گسست دوم: پست‌مدرنیته و معاصر شدن تاریخ و فرهنگ ایرانی-اسلامی

در عصر پست‌مدرنیته است که می‌توانیم از گزاره‌های حاکم استفاده کرده و دوره‌ای خاص از گسست را با روش واژگونی فوکو ایجاد کنیم و بر تاریخ‌هایی تمرکز کنیم که با این‌که می‌توانستند نقش مهمی در تصویرسازی از جهان ایفا کنند اما در سایه‌ی گفتمان‌های اروپا-مرکز سرکوب شده‌اند. تاریخ و فرهنگ‌های محلی‌شده امروزه در عصر پست‌مدرنیته با به‌نقدکشیدن گزاره‌های مدرنیته بستری را برای احیای خود پیدا کرده‌اند و آنچه در این بین اهمیت پیدا می‌کند و مورد توجه قرار می‌گیرد تاریخ و تمدن‌هایی است که با رد گزاره‌های حاکم مدرنیستی می‌توانند خود را معاصر کنند. این برداشت جدید نیست چرا که در پسامدرنیته نیز پیشوند «پسا» به معنای بازگشت همان صداها سرکوب‌شده (گراسبرگ ۱۳۸۶: ۱۲۸) و گواهی بر تلاش اصالت‌های گذشته است (احمد ۱۳۸۰: ۱۹۳). درواقع، «ظهور پست‌مدرنیسم با گسست‌های گوناگون، به عنوان جنبش فرهنگی متفاوتی است» که به ما اجازه می‌دهد دنیای اطرافمان را تجربه و تبیین کرده و «در قیاس گسترده‌ای از ائتلاف به مفهوم‌سازی دوباره‌ی مفاهیم پردازیم» (روسناو ۱۳۸۰: ۲۱)، تا با تمرکز بر امر تاریخی، یافته‌های خود را جانشین سلطه‌گری‌های نظریه‌ی عمده و مسلط در «علوم اجتماعی به عنوان گفتمان سازمان‌یافته خاص سرمایه‌داری» قرار دهیم (لاش و اوری، نقل از کچویان ۱۳۸۷: ۴۰). گسست‌های پست‌مدرنیستی است که به ما اجازه می‌دهد تا با مطالعه‌ی میدانی حوزه‌ی عمومی ایرانی در سال‌های اخیر از عوامل دیگری در مفهوم‌سازی از قدرت و حوزه‌ی عمومی سخن بگوییم که نشأت گرفته از تاریخ ایرانی-اسلامی و نه نظریه‌های مسلط در علوم اجتماعی است.

همان‌طور که در بخش قبل گفتیم نخستین گسست پست‌مدرنیستی که در این مقاله به آن پرداختیم ما را به این نتیجه رسانید که تکنولوژی‌های ارتباطی نوین، در مقام فناوری‌های کنترلی

پست مدرن، استراتژی‌هایی‌اند که برای اعمال قدرت زیستی به کار می‌روند. در این قسمت، دومین گسست را شرح می‌دهیم که از یک سو تاییدی تجربی بر گسست اول است، چرا که نشان می‌دهد حوزه‌ی عمومی گسترده مبتنی بر قدرت مردمی‌ای است که با محوریت عناصر ارتباطی فرهنگ اصیل و مردمی (بشیریه ۱۳۷۹) شکل می‌گیرد؛ و از سویی دیگر این فرهنگ تاریخی اصیل است که می‌تواند با معاصر شدن خود در قالب پدیده‌هایی گوناگون، به مفهوم‌سازی دوباره در موضوعاتی چون قدرت و حوزه‌ی عمومی پردازد. این امر به این خاطر است که «در دوره‌ی پست مدرنیته تاریخ جمعی به مثابه ابزاری برای تأویل و دست‌یابی به واقعیت است» (اندرسون ۱۳۷۹: ۸۹). برای هارت و نگری (۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۵۸) «بخش‌های قدرت‌مند اسلام از همان زمان نطفه‌گیری مذهب، در واقع طرد قدرت‌هایی است که در نظم جهانی پست مدرن به وجود آمده‌اند. خیزش‌های اسلامی معاصر، اساساً بر تفکر اصیل و ابداع ارزش‌ها و کردارهای اصیل مبتنی هستند و برای واکنش به نظم اجتماعی حاضر جهت‌دهی شده‌اند». مهم‌تر آن‌که این جریان‌های اجتماعی معاصر شده برساخته نیستند و صرفاً رنگ‌وبوی مقاومت و پاسخ تاریخی به سازوکارهای مدرنیستی سلطه می‌باشند. ایران با تمدن و تاریخ ایرانی-اسلامی خود همواره در طول تاریخ آبستن رویدادهای زیادی در ارتباط و وابسته به تاریخ خودش بوده است. آن‌چه که ما در حوزه‌ی عمومی شکل گرفته در سال‌های اخیر در ایران شاهد بودیم، چه با آن موافق باشیم یا خیر، تجلی دوباره‌ی تاریخ ایرانی-اسلامی در قالب یک قدرت و حوزه‌ی عمومی مردمی برای تصمیم‌گیری در مسائل معاصر بوده است. این دوران مبین فرهنگ اصیل و مردمی در کشور ایران بوده است که در آن تاریخ و تمدن خود را معاصر و احیا کرد و یک قدرت ایرانی-اسلامی را در حوزه‌ی عمومی به نمایش گذاشت. در واقع در این فصل از تاریخ ایران استقلال و خوداتکایی و استفاده از قابلیت‌ها و داشته‌های تمدنی و تاریخی، باتوجه به الزامات زمانی، موجب شد تا تولید گونه‌ای از حوزه‌ی عمومی مبتنی بر قدرت مردمی در ایران تحقق یابد و عوامل مختلف فرهنگی و تاریخی، که به آن‌ها اشاره می‌شود، عامل تولیدکننده‌ی آن باشند.

در جامعه‌ای با تمدن و فرهنگ قوی و غنی، روابط اجتماعی میان افراد همواره به صورت خودجوش و با بازخوردی درونی تولید می‌شود؛ و چون تولید این روابط مبتنی بر فرهنگ نهاده شده است، بدون این‌که انرژی بر باشد، فرهنگ را به عنوان یکی از منابع اصلی قدرت

معرفی می‌کند و درواقع این سیر تاریخی‌ای است که یک چنین فرهنگی به شکل‌گیری آن نیاز دارد. حرکت جمعی و طولانی فرهنگی نیازمند این است که در طول تاریخ ذکاوت و گستردگی ابعاد نگرش خود را در سیر زندگی ممتد پدران و فرزندان به اثبات رسانده باشد. فرهنگ قوی و غنی زمانی می‌تواند از مهم‌ترین منابع تولید قدرت به شمار آید که خط مستمر خود را همراه با پویایی و انطباق با شرایط جدید حیات بشری حفظ کند (نبوی ۱۳۸۶: ۱۴۴ - ۱۴۲). «نمادها و سمبل‌ها یکی از مهم‌ترین منابع تولید قدرت هستند که باعث تولید قدرت اجتماعی برای مردم در برهه‌های خاص زمانی می‌شوند»؛ چیزی که در ایران و در این فصل از تاریخ شاهد بوده‌ایم و نتیجه‌بخش حوزه‌ی عمومی در این تاریخ معاصر بوده است. در این بین «نمادهای جغرافیای زیستی و وطن، از سمبل‌ها و نمادهای عمومی‌ای است که موجب هم‌بستگی و پیوند میان افراد درون خود شده است. این پیوند امکان تجهیز و ترکیب و درنهایت تولید قدرت را فراهم می‌آورد» (نبوی ۱۳۸۶: ۱۹۲ و ۱۹۳). ایرانی بودن و بیگانه‌ستیزی موضوعی است که در سال‌های اخیر به‌عنوان دورانی که حوزه‌های عمومی ایرانی شکل گرفته در این سال‌ها هم‌بستگی و پیوند مردم ایران را فراهم آورده است. همان‌طوری که فوکو در مورد انقلاب اسلامی اشاره می‌کند ما شاهد احیای این هستیم که «عرق ملی بی‌نهایت قوی، سرباززدن از اطاعت بیگانگان و سیاست عدم وابستگی به خارج و دخالت همه‌جا آشکار آمریکایی‌ها، ویژگی رویداد انقلابی ایرانیان» در این زمان است. به عبارت دیگر «ویژگی آنچه مردم در اعماق خود تجربه و احساس می‌کنند و ما شاهد اراده‌ی جمعی یک ملت در تهران و سراسر ایران می‌شویم» (فوکو ۱۳۸۰: ۵۶ و ۵۷). با این وصف چیزی که در جوامع مسلمان از هر چیزی مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر است و در ایران شاهد بودیم بعد دین، نمادها، شمایل و باورهای دینی‌ای است که در این حوزه‌ی عمومی گسترده حضور داشته‌اند. درواقع اگرچه عنصر انسجام‌بخش جمعیت می‌تواند عناصر گوناگون باشد اما برای جوامع مسلمان، ایمان مهم‌ترین عامل انسجام‌بخش جامعه‌ی مسلمانان است (قرآن کریم، آل عمران، آیه ۱۰۳) و انسان‌ها به تمسک به آن فراخوانده شده‌اند (نبوی ۱۳۸۶: ۱۳۷). شعایر و پرچم‌های مذهبی و دینی که اساس هم‌دلی مردم ایران در این دوران بوده است، عامل مهم تاریخی معاصر شده و درارتباط با رویدادهای معاصر این سال‌ها در ایران اسلامی بوده است. درواقع باورها و تقدسات دینی و احترام خاص به آن‌ها همیشه در ایران قبل از هر چیزی از اهمیت وافر برخوردار بوده است. این همان عنصری است که نشان می‌دهد قدرت بیش از

آنچه امر مادی باشد مبتنی بر امور غیرمادی، ذهنی و معنوی است. این قدرتی است که برای جامعه‌ی ایرانی قدرت واقعی است؛ چرا که همان‌طوری که انقلاب اسلامی ایران و «سیره‌ی عملی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد قدرت بیش از آن‌که امری مادی باشد، دارای ویژگی‌ها و خصلت معنوی است و بر دو عنصر منابع مادی و معنوی و نیز انسان‌هایی که این منابع را به فعلیت می‌رسانند استوار است». حوزه‌ی عمومی که در سال‌های اخیر در ایران شکل گرفت حاکی از این بوده است که «تا وقتی گستره‌ی مردمی، تاریخ‌مند، پایدار و هدف‌مند است که در آن تقدسات دینی و معنوی پایه‌ی اصلی شکل‌دهی آن باشند» (همان: ۱۱۹).

نتیجه‌گیری: اینترنت و نقش آن در معاصر کردن فرهنگ و تاریخ ایران

استقرار در وضعیت پست‌مدرن مبین آن است که ما می‌توانیم با مطالعه‌ی محیط پیرامون خود و پدیده‌های موجود در آن، به مفهوم‌سازی دوباره از آن‌ها بپردازیم. نتیجه‌ای که در این پژوهش عاید ما شد این است که با نگاهی انتقادی به مسائل مطروحه در قبال قدرت و حوزه‌ی عمومی، مباحثی گسست‌گونه در قبال این مفاهیم به‌دست آمده است. استفاده‌ی ما از اصل روش‌شناختی واژگونی ما را به شناخت متفاوت و جدیدی از قدرت زیستی و رسانه‌ها و حوزه‌ی عمومی می‌رساند. اتخاذ رویکردی فوکویی نشان می‌دهد اینترنت به‌عنوان یک فضا-رسانه‌ی نوین در عصر حاضر می‌تواند کارکردی متفاوت از گزاره‌ای داشته باشد که آن را به‌عنوان عرصه‌ای برای شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی (رویکرد هابرماسی به اینترنت) می‌شناسد؛ چراکه براساس رویکرد هارت و نگری نشان دادیم که این تکنولوژی ارتباطی برای تولید نظام سرمایه‌داری قدرت پاگرفته است. گسست پست‌مدرنیستی از اعمال قدرت زیستی مدرن گویای این امر است که در این عصر ارتباطات و رسانه‌ها در مقام استراتژی‌هایی برای اعمال قدرت مشرف بر حیات و نیز بر تشدید یافتگی آن عمل می‌کنند. در این راستا نگاهی مبتنی بر جامعه‌ی کنترلی پست‌مدرن، که در آن اتر (مدیریت ارتباط و تنظیم فرهنگ) و کار غیرمادی یکی از عوامل اعمال قدرت هستند، ما را بر این امر واقف می‌سازد که اینترنت نیز با توجه به خصیصه‌ی ارتباطی و تعاملی شدید و درگیرسازی بالای کاربران در کار غیرمادی مبتنی بر ارتباط، به‌عنوان یک کارخانه‌ی مجازی و پان‌اِپتیکن پست‌مدرن عمل می‌کند. در این فضا قدرت از طریق درونی کردن خود در ذهن و بدن‌های کاربران، زیستی کردن خود را نسبت به مدرنیته تشدید می‌کند. این امر مبین گسست در

نوع اعمال قدرت زیستی پست‌مدرنیستی از طریق فناوری‌های کنترلی مبتنی بر ارتباط و نه امور مدرن اجتماعی است. همان‌طوری که گفته شد این گسست علاوه بر شناسایی اینترنت به‌عنوان تکنولوژی زیستی اعمال قدرت، به رد گزاره‌ی حاکم در علوم ارتباطات براساس رویکرد نظری فوکویی و هارت و نگری می‌انجامد. بر این اساس شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی مردمی و گسترده در سال‌های اخیر ایران، هم دلیلی تجربی بر رد گزاره‌ی مدعی است و هم گویای این امر است که این تاریخ‌ها و فرهنگ‌های سرکوب‌شده هستند که در عصر پست‌مدرن می‌توانند به مفهوم‌سازی‌های مجدد در قبال مسائل این عصر بپردازند. محوریت عناصر تاریخی و فرهنگی ایران اسلامی است که یک حوزه‌ی عمومی را برای تصمیم‌گیری در مسائل مهم قدرت مردمی شکل می‌دهد. عناصر اسلامی، تاریخی و تمدنی ایران که باعث شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی معاصر در سراسر کشور ایران شده است می‌تواند با قدرت‌زدایی از اینترنت، این تکنولوژی ارتباطی قوی و جهانی را برای گسترده‌تر کردن افکار و حوزه‌ی عمومی خود به‌کار گیرد و قدرت مردمی خود را امتداد دهد. درواقع همان‌طوری که این فناوری ارتباطی پیچیده می‌تواند به اعمال قدرت مطلق (زیستی) سرمایه‌داری در جهان بپردازد، مهم‌ترین ابزار ارتباطی است که می‌تواند قدرت ارتباطی مردم ایران را برای شکل‌دهی حوزه‌ی عمومی براساس قدرت مردمی‌شان وسیع‌تر کند. چرا که حوزه‌ی عمومی شکل‌گرفته در ایران تنها می‌تواند به‌عنوان یک مرحله برای آن، و درواقع نشان‌دهنده‌ی پتانسیلی برای شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی وسیع‌تر باشد. درواقع ما بر این باور هستیم که حوزه‌ی عمومی ایرانی که درعین حال که تاریخی است، می‌تواند متناسب با زمان‌های گوناگون معاصر شده، و از تکنولوژی‌های ارتباطی قوی معاصر برای پروراندن و گسترده‌تر کردن افکار عمومی خود در جهان نیز استفاده کند تا از این طریق بتواند عناصر فرهنگ و تاریخ خود را با شکل‌دهی به حوزه‌ی عمومی‌ای وسیع‌تر در اینترنت جهانی کند.

کتابنامه فارسی

- احمد، اکبر (۱۳۸۰) پست‌مدرنیسم و اسلام، ترجمه‌ی فرهاد فرهمندفر، تهران: ثالث.
- احمدی، بابک (۱۳۷۴) مدرنیته و اندیشه‌ی انتقادی، تهران: نشر مرکز.
- اندرسون، والتر (۱۳۷۹) چند خبر پست‌مدرن، ترجمه و تدوین حسینعلی نودری، تهران: نقش جهان.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹) نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی آینده‌پویان.
- حقیقی، شاهرخ (۱۳۸۳) گذار از مدرنیته؟ (نیچه - فوکو - لیوتار - دریدا)، تهران: نشر آگه، چاپ سوم.
- دریفوس، هیوبرت و رایینو، پل (۱۳۸۷) میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران: نی.
- دلوز، ژیل (۱۳۸۶) فوکو، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- رایینز و وبستر (۱۳۸۵) عصر فرهنگ فناورانه، از جامعه‌ی اطلاعاتی تا زندگی مجازی، ترجمه‌ی مهدی داوودی، تهران: توسعه.
- روسنائو، پائولین (۱۳۸۰) پست‌مدرنیسم و علوم اجتماعی، ترجمه‌ی حسین کاظم‌زاده، تهران: آتیه.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۹) مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران: ثالث.
- ضمیران، محمد (۱۳۷۸) میشل فوکو، دانش و قدرت، تهران: هرمس.
- فوکو، میشل (۱۳۸۰) ایران روح یک جهان بی‌روح، و ۹ گفت‌وگوی دیگر، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷) از تجدد تا مابعد تجدد، از جامعه‌شناسی تا مطالعات فرهنگی، به‌اهتمام عباس کاظمی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کریسمس، سایمن (۱۳۷۹) میشل فوکو، فلسفه‌ی اروپایی در عصر نو، ویراسته‌ی تایشمن و گراهام وایت، ترجمه‌ی حنایی کاشانی، تهران: نشر مرکز.
- گراسبرگ، لارنس (۱۳۸۶) مطالعات فرهنگی و / در جهان‌های نو، ترجمه‌ی فردین علیخواه، مجموعه‌ی مقالات، به‌اهتمام عباس کاظمی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- لایون، دیوید (۱۳۸۷) پسامدرنیته، ترجمه‌ی محسن حکیمی، تهران: انتشارات آشتیان.

- مرداک، گراهام (۱۳۸۹) "فراتر از پساها؛ بازاندیشی تغییر، بازیابی نقد"، ترجمه‌ی گودرز میرانی، *نظریه‌های ارتباطات*، ویراسته‌ی سعیدرضا عاملی، جلد چهارم، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نبوی، سید عباس (۱۳۸۶) *فلسفه قدرت*، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵) *صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته*، تهران: نشر نی.
- هارت و نگری (۱۳۸۴) *امپراطوری*، ترجمه‌ی رضا نجف‌زاده، تهران: قصیده‌سرا.
- هارت و نگری (۱۳۸۶) *انبوه خلق، جنگ و دموکراسی در عصر امپراطوری*، ترجمه‌ی رضا نجف‌زاده، نشر نی.
- هارلند، ریچارد (۱۳۸۰) *ابرساخت‌گرایی*، ترجمه‌ی فرزانه سجودی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

کتابنامه لاتین:

- Beresford, A. D. (2003). "Foucault's Theory of Governance and the Deterrence of Internet Fraud". *ADMINISTRATION & SOCIETY*. Vol. 35 No. 1. March 2003. 82-103. available at: <http://ejournal.narotama.ac.id/files/82.pdf>
- Birch, K. (2006). "The Neoliberal Underpinnings of the Bioeconomy: The Ideological Discourses and Practices of Economic Competitiveness". *Genomics, Society and Policy* 2(3): 1-15. [Article Online](#).
- Breton, P (2001). "Infinite Internet". Available at: <http://www.Findarticles.com/p/articles>
- Bringle, R. G., and Hatcher, J. A. (2000), "Successful Service-learning Programs: New Models of Excellence in Higher Education". *The Journal of Higher Education*. 71, (4), 504-507.
- Curran, J. (2002), *Media and Power*, New York: Routledge, 7th edition.
- Danet, B. (2002), "Communication and Culture on the Internet". European Union Summer School. University of Rome. June 2002. Lecture I. available at: http://www.euophd.eu/html/onda02/04/ss8/pdf_files/lectures/Danet_culture_Internet.pdf
- Dolan, F. M. (2005). *The Paradoxical Liberty of Bio-power; Hannah Arendt and Michel Foucault on Modern Politics*, London: SAGE Publications.
- Donk Wim van de., Loader, B. D., Nixon, P. G. & Rucht, D. (Eds.) (2004). *Cyberprotest: New Media, Citizens and Social Movements*. London: Routledge.
- Fingers, T. (1993). "Modernity, Postmodernity-What in the World Are They?". *Follow Transformation: An International Journal of Holistic Mission Studies*. SAGE – Oct 1, 1993 Volume 10 (4): 20. <http://trn.sagepub.com>
- Foucault, M. (1977) "Nietzsche, Genealogy, History". In *Language, Counter-Memory, Practice: Selected Essays and Interviews*, edited by D. F. Bouchard, Ithaca: Cornell University Press.
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge*. Translated by A. M. Sheridan Smith. London: Tavostock.

- Hardt, M. & Negri, A. (2005). *Multitude: War and Democracy In The Age Of Empire*. London: Penguin Books.
- Hardt, M. & Negri, A. (2000). *Empire*. New York: Harvard University Press.
- Hier, S. Greenberg, P. Walby, K. & Lett, D. (2007). "Media, Communication and the Establishment of Public Camera Surveillance Programmes in Canada", *Media Culture Society*, September 2007 Vol. 29. No. 5 727-751.
- Holland, N. N. (1996). "The Internet Regression". in John Suler (Eds.), *The Psychology of Cyberspace* (1996), Department of English - University of Florida Gainesville, FL 32611-2036 U.S.A. Available at: <http://www.rider.edu/~suler/psycyber/holland.html>
- Hughes, Z. (2003). "Sex, Lies and the Internet", *Ebony*, Vol. 59, No. 1. <http://www.findarticles.com>
- Jensen, M. J. & Danziger, J. N. (2002). "Civil Society and Cyber Society: The Role of the Internet in Community Associations and Democratic Politics". *The Information Society*. 23: 39-50. 2007. Available at:
<http://crito.uci.edu/papers/CivilSocietyandCyberSociety.pdf>
- Jordan, T. (1999), *Cyberpower, the Culture and Politics of Cyberspace and the Internet*, London: Routledge.
- King, M. (2009), "Clarifying the Foucault-Habermas Debate, Morality, Ethics, and 'Normative Foundations'". *Philosophy Social Criticism*. March 2009 Vol. 35 No. 3. 287-314, Available at: <http://psc.sagepub.com/cgi/content/abstract/35/3/287>
- Koolstra, C. M. & Bos, M. J. (2009) "The Development of An Instrument to Determine Deferent levels of Interactivity". *The International Communication Gazette*. 1748-0485; Vol. 71(5): 373-391; DOI: 10.1177/1748048509104980. Available at:
<http://www.sagepub.com/mcquail6/Online%20readings/6d%20Koolstra%20&%20Bos.pdf>
- Koopman, C. (2010). "Revising Foucault: the History and Critique of Modernity". *Philosophy and Social Criticism*. June 2010. 36:545-565. Available at:
<http://psc.sagepub.com/content/36/5/545.full.pdf+html>
- Lyon, D. (1994). *The Rise of Surveillance Society*. Cambridge. UK: Polity.
- MacDonald, M. (2006). "Empire and Communication: the Media Wars of Marshall McLuhan". *Media, Culture & Society*. 2006. SAGE Publications (London, Thousand Oaks and New Delhi), Vol. 28 (4): 505-520. [ISSN: 0163-4437 DOI: 10.1177/0163443706062912]. Available at:
http://site.iugaza.edu.ps/tissa/files/2010/02/Empire_and_communication.pdf
- McKinlay, A. (2006). "Managing Foucault: Genealogies of Management". *Management & Organizational History*. February 2006 vol. 1. No. 1. 87-100. Available at:
<http://moh.sagepub.com/content/1/1/87.short>
- Morgan, J. (2006). "Interview with Michael Hardt Theory". *Culture & Society*. Vol. 23(5): 93-113.
- Munro, I. (2000). "Non-Disciplinary Power and the Network Society. *Organization*. 7, 4, 679-695.
- Poster, M. (2001). *What's the Matter with the Internet*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Poster, M. (1990). *The Mode of Information*. Cambridge: Polity.
- Press, A. & Livingeston, S. (2006). "Taking Audience Research in to the Age of New Media; Old Problems and New Challenges". in Mimi whaite and James schwoch (eds.). *Questions of Method in Cultural Studies*, Malden, MA: Blackwell Publishing.
- Riva, G & Galimberti, C. (Eds.) (2003). *Towards Cyber Psychology: Mind, Cognitions and Society in the Internet Age*, Amsterdam: IOS Press.

- Rohle, T (2005). "Power, Reason, Closure: Critical Perspectives on New Media Theory". *New Media & Society*. London. Thousand Oaks, CA and New Delhi, Vol. 7(3):403-422. [DOI: 10.1177/1461444805052283]. Available at: <http://nms.sagepub.com/cgi/content/abstract/7/3/403>
- Schiller, D. (1999). *Digital Capitalism: Networking the Global Market System*. Cambridge: MIT Press.
- Smith, P. (2001). *Cultural Theory; an Introduction*, Massachusetts: Blakwell Publisher.
- Suler, J. (2005), "Adolescents in Cyberspace; the Good, the Bad, and the Ugly". *The Psychology of Cyberspace*. This article created in June 98. Revised Feb 2005 (v1.5). Available at: <http://www.rider.edu/~suler/psycyber/adoles.htm>
- Suler, John (2003). "The Online Disinhibition Effect". *Cyber Psychology and Behavior*, 7, 321-326.
- Tamara, Dimitrijevic (2003), **IT and Psychology: New Trends**, Psychology Department, City College Thessaloniki, Affiliated Institution of the University of Sheffield, dimitrijevic@city.academic.gr
- available at: <http://www.pdfdownload.org/pdf2html/pdf2html.php?url=http%3A%2F%2Fwww%2Ecity%2Eacademic%2Egr%2Fs3ctit03%2FAbstracts%2FTamara%2Epdf&images=no>
- or http://www.city.academic.gr/s3ctit%3/symposium_program.htm
- Tsagarousianou, R., Tambini, D. & Bryan, C. (1998). *Cyberdemocracy: Technology, Cities and Civic Networks*. London: Routledge.
- Thompson, P. (2005). "Foundation and Empire: a Critique of Hardt and Negri". *Capital & Class*. Summer 2005. Vol. 29. No. 2: 73-98. Available at: <http://cnc.sagepub.com/cgi/content/abstract/29/2/73>
- Tracy, J. F. (2002). "Whose Empire?" *Journal of Communication Inquiry*. July 2002. 26 (3): 330-336. Available at: <http://jci.sagepub.com/cgi/content/refs/26/3/330>
- Willcocks, L. P. (2006). "Michel Foucault in the Social Study of ICTs, Critique and Reappraisal". *Social Science Computer Review*. Fall 2006. Vol. 24. No. 3. 274-295.
- Available at: <http://ssc.sagepub.Com/cgi/content/refs/24/3/274>
- Žižek, S. (2012). "The Revolt of the Salaried Bourgeoisie" in *London Review of Books*, Vol. 34. No. 2. January 26. 2012. accessed on April 19, 2012. URL: <http://www.lrb.co.uk/v34/n02/slavoj-zizek/the-revolt-of-the-salaried-bourgeoisie>
- Zuboff, S. (1988). *In the Age of the Smart Machine; the Future of Work and Power*. New York: Basic Books.